

روانشناسی سیاسی تروریسم: نقش محیط پدیداری، زمینه ساز و شخصی در گسترش تروریسم

رضا التیامی نیا*

چکیده

عمل تروریسم تصمیم عمدی و هدفمند است که توسط گروهی از افراد و دولتها برای ترویج نوع خاصی از خشونت جهت پیشبرد و تحقق اهداف سیاسی خود بکار می‌برند. ایدئولوژی به طور عام و ایدئولوژی سیاسی به طور خاص، مجموعه‌ای از عقاید است که به لحاظ عاطفی از جانب دوستداران خود حمایت می‌شود. ایدئولوژی مادامی که انسان قدرت تفکر دارد، پایداری دارد. مسئله پژوهش حاضر این است که محیط پدیداری، زمینه‌ساز، شخصی و ایدئولوژی چه تاثیری در شکل‌گیری رفتارهای تروریستی دارد. فرضیه پژوهش حاضر این است ایجاد جو ترس، ترور و رعب می‌تواند معادلات جدیدی را به نفع تروریستها و کشورهای حامی آن رقم بزند و رفتار تهدیدکننده، مخرب و خشونت‌آمیز بر علیه هم‌نوعان و افراد بی‌گناه، ریشه در حالات روانی، باورها، عقاید سیاسی و قومی بشر دارد. پژوهش حاضر به تحلیل ریشه‌های روانشناختی و ایدئولوژیکی رفتار تروریستها می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد محیط واقعی از طریق صافی فرهنگی، ساختار نگرشها، تجربیات گذشته و تکنیکها قابل مشاهده است. فرهنگ‌های مختلف دارای ادراکات مختلف محیطی می‌باشند. روشن است که در همه فرهنگ‌ها، ادراکات محیطی در تصمیم‌گیری‌های شخصی نقش اساسی دارند. در این شرایط وقتی مذهب و برداشتهای نادرست مذهبی دخالت داده می‌شوند باعث می‌شود در اذهان تروریست‌های دارای انگیزه مذهبی، هرگونه تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان، گناهکار و بیگناه از بین برود. در ذهن بسیاری از تروریست‌هایی که انگیزه‌ها و مسائل مذهبی پشتوانه عملشان است هرکسی که هم مذهب و هم عقیده تروریستها نیست گناهکار فرض شده و سزاوار مرگ است. روش مورد استفاده در این پژوهش تبیینی از نوع کیفی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تروریسم، محیط زمینه ساز، توسعه، محیط پدیداری، ایدئولوژی سیاسی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

* eltyam81@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهارم، صص ۱۶۰-۱۳۳

مقدمه

امروزه فعالیت‌های تروریستی و اقدامات خرابکارانه گروه‌های تروریست که در کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد، صحنه تلخی از رفتارهای انسانی است که ضمن قربانی شدن عده‌ای از انسان‌های بیگناه در آن، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دولت‌ها و ملت‌ها وارد می‌کند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). در گفتمان اسلام سیاسی خلافتی، "خلافت" در مرکز آن نشسته و دقایق مهمی را پیرامون خود مفصل‌بندی می‌کند (میرعلی و شفائی، ۱۳۹۷: ۲). ترور، اقدامی تجاوزکارانه نسبت به انسان، ملت یا پیروان یک آیین است. به دلایل سیاسی، مذهبی، قومی، طایفه‌ای و به عنوان سلاح توسط تروریست‌ها یا گروه‌های سری و زیر زمینی استفاده می‌شود. هدف از اجرای عملیات تروریستی این است که نخست، افکار عمومی جهان را به سمت مسئله‌ای جذب کنند و در مرحله دوم، طرف‌های مخالف خود که مورد تهاجم قرار داده‌اند را وادار به تسلیم و قبول خواسته‌های خود کند. تروریسم می‌خواهد به دیگری پیام بفرستد یا به او اینگونه القا کند که دست به اقدامی معارض نزند یا او یا آن کشور را وادار به قبول خواسته‌های خود نماید. اولین هدف طراحان و فعالان تروریستی این است که بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی مخالفان، به نفع خود تاثیر بگذارند از طریق مجبور کردن دولت‌ها یا گروه‌های سیاسی به دنبال کسب دستاوردهای سیاسی هستند. تهدید به عتف، اقدام به قتل و ترور رهبران سیاسی، دانشمندان و افراد شاخص به این سبب انجام می‌گیرد تا حالتی از ترس و وحشت ایجاد شود و جلوی پیشرفت کشور مورد هدف را سد کنند (مندلاوی، ۱۳۹۰: ۲۶۶-۲۶۵). بند ۲۲ قوانین جنایی آمریکا، تروریسم را به مثابه خشونت عمدی و با انگیزه سیاسی تعریف می‌کند که بر علیه اهداف غیرجنگی توسط گروه‌های فروملی، عوامل سری و با هدف اثر گذاری بر روی افکار عمومی انجام می‌شود. مارتا کرنشو^۱ معتقد است تروریسم استفاده عمدی یا تهدید به استفاده از خشونت نمادین و سطح پایین توسط سازمان‌های توطئه‌کننده است. سازمان ملل در مورد تهدیدات، چالش‌ها و تغییر، تروریسم را به مثابه کنش یا اقدامی تعریف می‌کند که هدف آن ایجاد مرگ و صدمه شدید و جدی به شهروندان و غیرنظامیان است (Club, 2005: 13).

1. Martha Crenshaw

مجمع عمومی سازمان ملل، در کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم، بند دوم، به شرح زیر تروریسم را تعریف می‌کند: چنانچه فردی به صورت غیرقانونی و عمدی باعث آسیب و زیانهای زیر شود مرتکب عمل تروریسم شده است: مرگ یا آسیب جدی بدنی به هر فرد یا ایجاد خسارت جدی به املاک دولتی یا خصوصی، زیانهای اقتصادی عمده و ترساندن مردم یا وادار کردن سازمان دولتی و بین‌المللی برای انجام کاری یا بازداشتن آنها از انجام کاری (Dawoody, 2016: 5-9).

تهاجم پرمسئله آمریکا به عراق در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، شدیداً چشم انداز تهدیدات منطقه‌ای و جهانی را دگرگون ساخت. هیچ تهاجمی در جهان معاصر به اندازه تهاجم آمریکا به عراق، تاثیرات امنیتی عمیق بر امنیت ملی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نداشته است. در خصوص عراق، تهاجم آمریکا نتایج چندگانه‌ای را به همراه داشته است (Gunarat and angel, 2012: 1-4). در سال ۲۰۱۴، داعش که یک گروه تروریستی و متشکل از جنگجویان وفادار به صدام حسین می‌باشند چندین شهر مهم عراق منجمه، تکریت، فلوجه و موصل را تصرف کردند. تصرف شهرهای مهم عراق منجر به آوارگی صدها نفر و کشته و زخمی شدن هزاران نفر از مردم به علت جنگ بین نیروهای تروریستی و دولت شد (Schuldt, 2014: 1). سرکوب، اجبار و تبعیض بر علیه افراد، گروهها، سازمانها، طبقات، نژادها و قومیتها اعمال می‌شود. این عوامل از مهم‌ترین عوامل شتاب دهنده و محرک است که منجر می‌شود فرد یا گروه یا سازمانی به اقدامات تروریستی روی آورد. دومین مولفه تشکیل دهنده مدل رآس دلایل روانشناختی تروریسم هستند. تئوریهای روانشناختی تلاش می‌کنند تا رفتار تروریستها را تبیین کنند و اطلاعاتی مهمی درباره دلایل تروریسم ارائه دهند. از این رو، پنج عامل روان شناختی مهم برانگیزنده تروریسم از نظر ایشان عبارتند از «صفات و ویژگیهای شخصی تسهیل کننده تروریسم، ناامیدی، خودشیفتگی، تجاوز و پرخاشگری»، فرصتهای یادگیری و محاسبات هزینه و فایده (Ross, 2006: 1-5). لذا هدف پژوهش حاضر تحلیل پیش زمینه‌های شکل‌گیری افراط‌گرایی و خشونت در خاورمیانه و جلوگیری از گسترش تروریسم در منطقه و تامین صلح و ثبات منطقه‌ای می‌باشد. فرضیه پژوهش حاضر این است که عوامل پیش زمینه از جمله عوامل فرهنگی و نگرشهای

مذهبی وهابی عامل مهمی در تداوم ظهور و احیاء افراط‌گرایان و تروریستها و نیز کسانی است که در معرض تبدیل به تروریست و افراط‌گرایی هستند. همچنین فهم انگیزه‌ها و راهبردهای تروریسم در کارآمدی و موفقیت راهبردها و خط‌مشی‌های ضد تروریستی نقش مهمی دارد. سوال مهم پژوهش حاضر این است ریشه‌های روان‌شناختی، ایدئولوژیکی و سیاسی برانگیزنده تروریسم و اعمال تروریستی چیست؟ نقش محیط پدیداری، زمینه‌ساز و شخصی در شکل‌گیری رفتارهای تروریستی چیست. در خصوص اهمیت پژوهش می‌توان گفت به دلیل اینکه پدیده تروریسم تهدید جدی برای صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی می‌باشد، پرداختن به ریشه‌ها و انگیزه‌های این پدیده می‌تواند به فهم و درک جامع‌تری در مهار و کنترل پدیده تروریسم سیاسی منجر شود.

روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده در این مقاله، تبیین علی از نوع کیفی است و روش گردآوری اطلاعات مقاله حاضر حاصل اطلاعات بدست آمده از منابع مختلف من جمله مجلات علمی پژوهشی، اینترنت، کتابهای مختلف و مقالات پژوهشی می‌باشد.

رهیافت نظری پژوهش

در برخی جوامع، تمسک به مذهب به عنوان اصل محوری برای ظهور احساسات ملی‌گرایانه و عاملی برای موجودیت برخی ملتها و کشورها تلقی می‌شود. امروزه در برخی از حوزه‌های جغرافیایی فرهنگی خاورمیانه، دین نقش بی‌بدیلی در مرزبندی، تعیین قلمرو، کشورسازی و تهیه چارچوب‌های فکری ناظر بر اندیشه و عمل ایفا می‌کند (Sharp Et Al, 2000:4). در محتوای هر مذهبی مقولاتی همچون چگونگی نگرش به سرشت و ذات انسان، چگونگی نگرش به ماوراء الطبیعه، چگونگی نگرش به روابط افراد و جامعه، نگرش نسبت به زمان، آینده‌نگری نسبت به فلسفه زندگی و تعیین هدف زندگی وجود دارد و این باورها و احکام و تکالیف نقش مهمی در پدیدار شدن یا رخ ندادن فرایند توسعه در آن جامعه دارد. مذهب و توسعه هر دو شامل ارائه دیدگاه‌ها و

تفسیرهایی درباره شرایط حاضر و ارائه دستورالعمل‌هایی در رابطه با رسیدن به نقطه مطلوب در آینده است. ماکس وبر معتقد است توسعه و تجدد نتیجه عقلانی شدن فرایندها است و عقلانی شدن را پیامد اصلاح تفکر مذهبی و شکل‌گیری عقلانیت اجتماعی و فرهنگی می‌داند و تحول فرهنگی در توسعه جوامع و ایجاد پیشرفت و صلح نقش مهمی دارد و از درون این تحول، انسان فعال، برنامه ریز، بلندپرواز شکل می‌گیرد. البته این مسئله نباید به فرونهادن و کناره‌گیری و جدایی دین از عرصه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی منجر شود چون مخاطرات انسانی، فرهنگی و سیاسی بسیاری به همراه دارد. به اعتقاد وبر در دوران حاکمیت مذهب کاتولیک در قرون وسطی ارزشها و آموزه‌هایی در فضای جغرافیایی اشاعه یافتند که در برابر توسعه اقتصادی مقاومت می‌کردند ولی مذهب پروتستان ارزشهایی را ترویج می‌کند که منشا توسعه، تولید و نوآوری در فضای جغرافیایی بود و رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی در غرب را نتیجه تغییر اوضاع فرهنگی می‌داند (لشگری تفرشی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۷-۱۱۰). در جهان اسلام نیز تفاسیری که گروههای تروریستی از دین ارائه می‌دهند برخلاف مبانی و اصول مترقی اسلام و مذهب تشیع است و ارزشهایی را ترویج می‌کنند که مانع توسعه و پیشرفت جوامع اسلامی می‌شود. تروریستهای تکفیری نظیر داعش و طالبان، القاعده، جبهه الصبره فقر و محرومیت مردم را جبر تاریخی و مشیت الهی دانسته و به مردم وعده دنیای بهتر در آخرت می‌دهند آن هم نه از طریق کار و تلاش و برنامه‌ریزی و خدمت به اسلام و مردم، بلکه از طریق کشتن انسانهای بیگناه و گسترش خشونت در جوامع اسلامی. رفتار گرایان غالباً تأثیرات سه محیط را در رفتار و فعالیت‌های انسانی به شرح مورد مطالعه قرار می‌دهند که شالوده مکتب رفتاری را تشکیل می‌دهد.

۱. تأثیرات محیط بر فعالیتهای انسانی

۱-۱. محیط پدیداری: شامل محیط طبیعی، محیط شهر، محله، محیط کار، محیط عبادتگاه، محیط دانشگاه، محیط خانه، تراکم جمعیت و..... شرایط مطلوب یا نامطلوب این محیطها در رفتار و کیفیت فعالیت انسان موثر می‌افتد.

۲-۱. محیط شخصی: شامل جغرافیای شخصی افراد (نقشه ذهنی) نظام اعتقادی، نگرشها، پایگاههای اجتماعی-اقتصادی و.. می شود که قطعا در رفتار و کیفیت فعالیت انسان تاثیر دارد

۳-۱. محیط زمینه ساز: الف: مراحل چرخه زندگی، بر اساس سن و پایگاه های خانوادگی ب: سطح زندگی با توجه به شاخص های مربوط به میزان ثروت و پایگاه اقتصادی، محیط زندگی و شیوه زندگی طبقه اول، دوم و سوم. گفتنی است بین محیط اداری و محیط واقعی همواره تفاوت هایی دیده می شود. محیط اداری، عبارت است از تصور ذهنی شخص از محیط پدیداری است. این تصور ذهنی، از صافی گذراندن اطلاعات از طریق تجربیات یا آگاهی از محیط پدیداری شکل می گیرد. محیط اداری بخشی از محیط واقعی و نه همه محیط واقعی را نشان می دهد. محیط واقعی از طریق صافی فرهنگی، ساختار نگرشها، تجربیات گذشته و تکنیکها قابل مشاهده است. فرهنگ های مختلف دارای ادراکات مختلف محیطی می باشند (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۱۳-۱۱۵).

محققان علل منازعات و تروریسم را به سه دسته تقسیم می کنند: عوامل ساختاری، عوامل روان شناختی و انتخاب عقلانی. راس معتقد است ده عامل ساختاری اصلی و پنج عامل روانشناختی مهم در ظهور تروریسم سهیم هستند. تئوریهای ساختاری اشاره به این نکته دارد که علل ریشه ای تروریسم از محیط و بافت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی جامعه نشات می گیرد. عوامل ساختاری پیش شرط انگیزه های روان شناختی هستند. وی عوامل ساختاری را به عوامل تسهیل کننده و عوامل شتاب دهنده تروریسم تقسیم می کند. عوامل تسهیل کننده به سه عامل تقسیم می شوند: مکان یا موقعیت جغرافیایی، نوع نظام سیاسی و مدرنیزاسیون جامعه (Ross, 2006: 1-5).

مدرنیزاسیون جامعه مهم ترین عاملی است که عوامل دیگر تشدید کننده تروریسم را به وجود می آورد. دلایل شتاب دهنده، عوامل محرک و آغاز گر هستند. این عوامل فرهنگی، تاریخی، (نظیر نگرشهای مشترک، باورها، آداب و رسوم، عادات، افسانه ها، افکار، سنت ها و ارزشهایی است که توسعه ملی گرایی، تعصب، خشونت و تروریسم را دامن می زند. شکاف سازمانی، توسعه، شورش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، حمایت از

انواع بازیگرانی که تسهیل تروریسم می‌کنند، ناکامی سازمانهای ضد تروریست نظیر پلیس، ارتش، امنیت ملی و سرویس‌های اطلاعاتی، قابلیت دسترسی به تسلیحات، مواد انفجاری، مواد مرکب و دانش ساخت آنها، ظلم و دادخواهی‌ها نیز به تروریسم مجال بروز می‌دهند (Ross, 2006: 1-5). تئوری‌های مهم تبیین‌کننده چرایی گرایش افراد به تروریسم عبارتند از:

۲. تئوری‌های مهم

۲-۱. تئوری خودشیفتگی-خشونت

طبق تئوری مذکور، این احتمال وجود دارد که درصد یا میزان خاصی از خودشیفتگی یا غرور و خودبینی در همه ما وجود داشته باشد چرا که به نوعی در حفظ و پاسداری از عزت نفس ما نقش دارد. با این حال برخی از محققان از جمله ریچارد پیرلستین در اثر خود با عنوان ذهن تروریست سیاسی و جان کirsten و جرالند پست معتقدند که خودشیفتگی یا خودبینی در شکل افراطی آن، تبیین منطقی برای فعالیت تروریستی به ما ارائه می‌دهد. فرد خودبین و خودشیفته عمیقاً از اهمیت و بزرگی خود در این جهان مطمئن و متقاعد شده است. چنین فردی، تصویر خودساخته اش را با دیگران به اشتراک نمی‌گذارد. بر طبق این نظریه، این تصویر خودساخته و مغرورانه از خود می‌تواند سبب تولید تجاوز و خشونت شود. همانطور که هودسون می‌گوید: اگر خودشیفتگی اولیه که به شکل خودبرتری‌بینی و تعالی ساختگی خود است خنثی نشود این خودمتمالی سازی یا خودبرتری‌بینی سبب ظهور افرادی می‌شود که جامعه ستیز، متکبر و فاقد توجه و احترام به دیگران هستند. خودشیفتگی و خودبرتری‌بینی می‌تواند منجر به واکنش توأم با خشم و آرزوی نابودی منبع زخم و آسیب روان رنجوری شود (Tedeschi & Felson, 1994: 1-10).

1. Richard Pearlstein
2. Jerrold Post And Jan Kirsten
3. Gordon Hodson

۲-۲. تئوری ناامیدی-خشونت

برخی از محققان به این عامل به عنوان علت اصلی خشونت انسانی یاد می‌کنند. فرض اصلی این تئوری این است که اولاً تجاوز و خشونت محصول ناامیدی و محرومیت می‌باشد و دوم اینکه ناامیدی و محرومیت تولید خشونت می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که به طور حتم یا لزوماً منجر به خشونت و تجاوز نمی‌شود. برای مثال، گاهی اوقات، ناامیدی و محرومیت منجر به حل مسئله و راه حل‌های وابسته به آن می‌شود و تجاوز و خشونت ثابت شده که حتی بدون ناامیدی هم اتفاق می‌افتد. برکوئیتز (۱۹۸۹) تأکید می‌کند که ناامیدی و محرومیت آزردهنده است و منجر به تجاوز و خشونت می‌شود. جدیدترین یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که ناامیدی و محرومیت منجر به خشم و خشم منجر به خشونت می‌شود. منطقی است که نتیجه بگیریم که محرک آزردهنده، تسهیل‌گر رفتار متجاوزانه و تهاجمی است نه برانگیزنده آن Tedeschi & Felson (1994: 1-10).

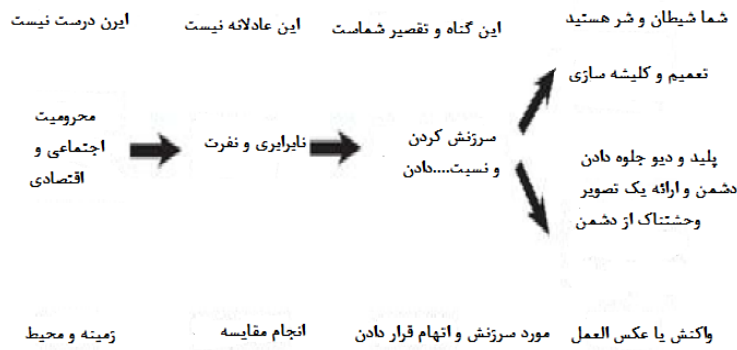
بازنده رادیکال خود را ایزوله می‌کند و نامرئی می‌شود. فریب خود را مخفی و محافظت می‌کند و انرژی خود را ذخیره کرده و منتظر لحظه‌ی موعود می‌ماند. از نظر انزبرگر، سلفی‌گرایی نظامی یا داعش برای چنین افرادی محیط و فضای لازم را فراهم می‌کند. سلفی‌گری نظامی ادعا می‌کند با پیروان همکیشان به شدت بدرفتاری شده است و این وضعیت وخیم و ناگوار آنها ساخته خود افراد نیست و آنها بی‌تقصیرند. سلفی‌گری نظامی و خشن داعش به آنها می‌گوید ما همه همدردیم و وضعیت مشابه داریم و ناتوانی و احساس بی‌قدرت بودن آنها را با احساس توانمندی و قدرتمندی موقت عوض می‌کند. از نظر انزبرگر از زمان فروپاشی شوروی تنها یک جنبش قادر بوده در سطح جهانی عمل کند و آن اسلام‌گرایی وهابی است. اسلام‌گرایی وهابی تلاش بزرگ مقیاسی را برای تجمیع انرژی مذهبی ۱,۳ میلیارد نفر مسلمان به کار گرفته است و این نه تنها هنوز زنده است بلکه به لحاظ جمعیتی در همه قاره‌ها رو به گسترش است. اگر چه این امت اسلامی دچار انشقاق‌های درونی بوده و درگیر

1. Berkowitz
2. Enzensberger

منازعات اجتماعی و ملی است اما ایدئولوژی اسلام گرایسی (اسلام وهابی) یک ابزار ایده آل برای بسیج بازندگان رادیکال است چون مهارت و روش قدرتمندی در آمیزش انگیزه های اجتماعی، سیاسی و مذهبی دارد (Enzensberger, 2005: 1-5). فرایند تکامل رفتارهای تروریسم و عوامل مختلفی که باعث سوق دادن افراد به تروریسم می شود در قالب مدل یا نمودار زیر به تصویر کشیده می شود و این مدل مبنا و چارچوب نظری بحث ما می باشد.

۱۴۱

فرایند تکامل ایدئولوژی تروریستها



مدل شماره ۱. فرایند تکامل رفتارهای تروریستی

(Borum, 2004:20).

۳. راهبردهای تروریسم

در ادامه به تبیین یافته های پژوهش می پردازیم و راهبردهای تروریستها را مورد مطالعه قرار می دهیم:

پژوهش های بین المللی
روابط بین الملل

روانشناسی سیاسی
تروریسم: نقش
محیط پدیداری،
زمینه ساز و شخصی
در گسترش
تروریسم

۱-۳. راهبردها و الگوهای خشونت

الگوی خشونت تروریستها حاکی از افزایش پیچیدگی استراتژی و عملیاتی آنها دارد. حامیان آنها که نمی‌توانند به میدان جنگ بروند به تروریستهای بزرگی در داخل کشورهای خود تبدیل می‌شوند. حتی بدون اینکه آموزش نظامی دیده باشند. رهبران تروریست‌ها با تعلیم و هدایت افراد و گروههای حامی خود مبنی بر اینکه باید غیرمذهبی‌ها را بکشند دامنه منازعه را گسترش داده‌اند. در مجله تبلیغاتی داعش با عنوان: رومیه یا ریمیاه (*Rumiyah*) به صراحت گفته شده نیازی نیست به میدان جنگ بیایند و در جنگ شرکت کنند بلکه می‌توانند در داخل کشور خود عملیات کنند. افزایش خصومت نسبت به مسلمانان در اروپا و آمریکا به داعش کمک کرده تا نیروهای بیشتری را به خدمت بگیرد. این استراتژی، انجام حملات غیرمنتظره را در هر منطقه‌ای امکان‌پذیر ساخته و بر مردم غیر نظامی تأثیر می‌گذارد. حملات عمومی به فرانسه و ایران نشان می‌دهد تروریستها در گسترش میدان جنگ به قاره اروپا و جاهای دیگر مهارت دارد. حملات نوامبر ۲۰۱۵ در پاریس که منجر به کشته شدن ۱۳۰ نفر شد با یکسری بمبگذاری انتحاری در استادیوم ورزشی، انفجارهای هماهنگ و تیراندازی در مکانهای مختلف به وقوع پیوست. مرزهای باز ملی به تروریست‌ها اجازه می‌دهد تا به درون مرزهای کشورهای مختلف نفوذ کنند و عملیات تروریستی خود را انجام دهند. تروریستها نسبت به نیروهای امنیتی بسیاری از کشورها دست برتر را دارند. این جهت‌گیری و شرایط امکان تصمیم‌گیری غیرمتمرکز را برای اعضای داعش فراهم ساخته است و به لحاظ تاکتیکی، داعش نیز دست برتر را دارد. تروریستها اقدام به ساخت بمبهای انتحاری، وسایل نقلیه مخصوص برای حملات جاده‌ای و تیراندازی علیه غیرنظامیان کرده‌اند. نیروهای امنیتی خیلی از کشورها به ویژه اروپا مجبورند در موضع دفاعی باشند و مدام در خیابانها و ایستگاه‌های مترو گشت زنی می‌کنند (Lal, 2018: 1-15).

استراتژی دیگر تروریستها استفاده ابزاری از مذهب است. مثلا واشنگتن پست و ای بی سی نیوز در نظرسنجی خود در مارس ۲۰۰۶ اعلام کردند که ۳۳ درصد آمریکاییها

معتقدند که اسلام عمدتاً مسلمانان را به اعمال خشنوت بر علیه غیرمسلمانان دعوت می‌کند. موسسه گالوپ^۱ نیز می‌گوید اگر چنین چیزی درست باشد گسترش مذهب در جهان اسلام به معنی حمایت گستره مردم مسلمان از اعمال تروریستی است. اما برخلاف این ادعا، در کنار مذهب، عوامل مهمتری هستند که در گرایش و تقویت پتانسیل افراد به سمت تروریسم سهیم هستند. این عوامل شامل عوامل محیطی، ذهنیت و اندیشه سیاسی، تربیت مذهبی، جهان بینی و برداشت مذهبی می‌شود (۵-۱: cassano, 2011). این درحالی است که مذهب اسلام مذهب عدالت، عزت و کرامت، آسان‌گیری یا تساهل منطقی بین مسلمانان و مبارزه با ظالمان و ستم‌گران و میانه روی می‌باشد. از نظر زیستی و روانشناسی، انسانها به توسعه‌طلبی و سلطه‌گری تمایل دارند و برخی از انسان‌ها نیز در این زمینه دین را دستاویز قرار داده‌اند. بیشتر کشتارهای قرن بیستم که به خلق فضاهای جغرافیای انسانی و طبیعی انجامید زائیده جنگهای مذهبی و دینی نبوده و الب کشتارهای انسانی و فرهنگی که در قرن گذشته و این روزها به وقوع پیوسته است نتیجه اقدامات رهبران سکولار و ضد دین همانند استالین، ماو، هیتلر و موسولینی و امپراتوری ژاپن و چین و... بوده است (لشگری تفرشی و احمدی، ۱۰۱: ۱۳۹۵).

استراتژی دیگر تروریستها کسب درآمد اقتصادی برای پشتیبانی از عملیات تروریستی است. بسیاری از تروریستها، بر طبق ایدئولوژی خود به شرکتهای مجرمانه تروریستی تبدیل می‌شوند یعنی همزمان که به یک ایدئولوژی پایبند هستند و بر اساس آن عمل می‌کنند به تولید درآمد نیز می‌پردازند بخشی از این راهبرد به خاطر این است که اعضای جدید داعش که در این سازمان به کار گرفته شده اند قبلاً به لحاظ مالی به فعالیتهای غیرقانونی وابسته بودند و از سبک زندگی مجرمانه سودآور بهره مند بودند. در برخی مناطق داعش از اسلام به عنوان یک برچسب مناسب برای مخفی کردن ارتباط دست‌های خونین دو گروه جنایتکار استفاده می‌کند: یکی قاچاق و دیگر تروریسم (Thachuk, 2018: 1-10).

1 Gallup

استراتژی دیگر تروریستها استفاده از فضای رسانه ای و مجازی است. سازمانهای تروریستی از هر فرصتی منجمله خشونت برای تحقق اهدافشان استفاده می کنند. از آنجا که مردم عادی هم مخالف خشونت هستند آنها از چهار راهبرد متفاوت برای توجیه خشونت در فضای مجازی و واقعی استفاده می کنند. استدلال و توجیه اول آنها این است که آنها از عبارت "هیچ گزینه‌ای جز خشونت وجود ندارد" استفاده می کنند. در اغلب موارد، تروریستها تلاش می کنند تا مردم و افکار عمومی را متقاعد کنند که آنها مخالف راه حل های مسالمت آمیز نیستند بلکه خشونت آخرین گزینه بر علیه دشمنان آنهاست. مثلا برهه‌های تامین و بودایی های افراطی تاکید می کنند که استفاده آنها از خشونت بر علیه دیگران مادامی که دولت سریلانکا حقوق اقلیتها را نادیده می گیرد مجاز است و بودایی هم می گویند تا زمانی که یک مسلمان در میانمار وجود دارد استفاده از خشونت مجاز است. دومین توجیه آنها پلید سازی (دیوسازی) و مشروعیت زدایی از مخالف خود است. آنها جویری وانمود می کنند گویی مجاهدان راه آزادی هستند و می گویند دوستان آنها و مردم طرفدارشان در اسارت دشمنان آنها هستند و حقوق آنها توسط دشمنان محدود شده و لذا خود را رهایی بخش مردم خود معرفی می کنند. علاوه بر این، تروریستها و افراط گرایان برخی از تصاویر را به نمایش می گذارند حاکی از اینکه مردم کشور متبوعشان توسط دشمنان کشته می شوند و اینکه تروریست واقعی، دشمنان آنها هستند. توجیه سومی که تروریستها برای ارتکاب خشونت استفاده می کنند این است که تاکید و برجسته سازی ضعفها است. آنها می گویند ترور نتیجه ضعف و کاستیها و ناکارآمدی دولت است. آخرین توجیه آنها این است چون مقامات کشورشان اقدامات سبوعانه و بی رحمانه نظیر قتل عام و نسل کشی علیه آنها انجام می دهند به تروریسم روی می آورند. در حالی که از نشان دادن اینکه چطور مردم خود را قربانی می کنند اجتناب می ورزند (Tedeschi & Felson, 1994).

۲-۳. محیط شخصی و نظام اعتقادی

کودکان داعش فرزند خوانده فرهنگ حاکم بر اجتماع خویش خواهند بود. فرهنگ سیاسی داعش القاء کننده اله مرگ و ویران کننده اله عشق است. این گروه نهادی است

که مخرب مدنیت و انسانیت به شمار می‌رود. آنها به شی و وارگی و بی روح کردن کودکان و ابزار انگاری آنان جهت نهادینه کردن خشونت است (گرشاسبی و کریمی مله، ۱۳۹۷: ۴). این کودکان می‌توانند در آینده به نیروی مهمی برای تغییر در ساخت و چهارچوب ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه از طریق تغییر مرزهای جغرافیای سستی و فعال کردن نیروهای فروملی مذهبی و قومی و دخالت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مبدل شوند (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۴: ۱۲۴). تروریست های سلفی تکفیری از اعضای خود خواسته است طیفی از اقدامات و تاکتیکها را برای تحقق اهداف سیاسی و مذهبی خود بکار گیرند. از جمله این اهداف می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اصلاحات اسلامی سلفی. این گروه از بکارگیری و پیاده سازی تفسیر سختگیرانه از شریعت حمایت می کند اگر چه رهبری القاعده در خصوص اینکه با چه سرعتی شریعت باید بر مردم تحت کنترل آنها و مردم تحت کنترل گروه های وابسته به آنها تحمیل و اجرا شود تفاوت دارند و بین آنها اختلاف وجود دارد.

۲- جهاد دفاعی: پیروان و طرفداران این گروه ها موظف هستند از مقاومت مسلحانه برای مقابله با آنچه القاعده تحت عنوان تهاجم غرب توصیف می کند، استفاده نمایند. آنها برای مبارزه با دست اندازی ها و تجاوزات غربی ها نظیر حضور سربازان آمریکایی در شبه جزیره عرب و دیگر سرزمینهای اسلامی آموزش می بینند.

۳- حمله و جنگ علیه دشمن دور: این سازمان تا حدود زیادی بدنامی آن مرهون مجموعه حملات مرگباری است که بر علیه اهداف نمادین منجمله حملات یازده سپتامبر در آمریکا و حملات به شیعیان، حملات لندن و مادرید و استانبول برنامه ریزی و انجام داده است. این سازمان از این حملات به عنوان بخشی از تلاش خود برای پاکسازی و ریشه کن کردن نفوذ و تاثیرات عوامل خارجی استفاده می کند.

۴- حذف و پاکسازی رژیمهای استبدادی که بنای آنها بر اساس شریعت مورد نظر القاعده و داعش نیست زیرا القاعده به چنین دولتهایی به مثابه دولتهای تقویت کننده و حامی حاکمان انسانی و نظامهای قضایی انسان ساخته نگاه می کند که شریعت را کنار گذاشته اند. رهبران القاعده اصول و قواعد دموکراتیک را به مثابه اصول غیراسلامی و همپایه ارتداد می دانند که شایسته مرگ هستند.

۵- جنگ اقتصادی: بن لادن و ظواهری از پیروان خود به جد خواسته اند و آنها را مکلف کرده اند تا به اهداف اقتصادی دشمنان برای تضعیف رژیم‌های محلی و غربی حمله کنند. به ویژه، آنها از حامیان خود خواسته اند تا حملاتی را بر علیه زیرساخت‌های نفتی و اقتصادی در منطقه (سوریه و عراق) انجام دهند تا مانع دسترسی ایران به مزایای ناشی از همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه شوند. این درحالی است که هم داعش و هم القاعده تاکنون حملاتی را علیه مافیای مواد مخدر و منابع نفتی عربستان و آمریکا در منطقه انجام نداده اند و عمدتاً خود و نیروهای خارجی در عراق و افغانستان به صدور نفت و مواد مخدر مشغول هستند و عمده حملات آنها متوجه شیعیان و مردم غیرنظامی می باشد.

۶- حملات بر علیه غیرنظامیان و گروه‌های مذهبی مسلمان غیر سنی: القاعده، مسلمانان شیعه را مرتد و رافضی می دانند و برخی از رهبران القاعده به تشویق جنگ بر علیه مردم شیعه می پردازند. برخی دیگر از رهبران القاعده معتقدند که چنین حملاتی نباید یک اولویت باشد زیرا باعث بیگانه سازی جمعیت وسیعتری از مسلمانان می شود. رهبران القاعده همچنین مکرر از ادبیات ضد اسرائیلی استفاده می کنند. واقعیت این است که با وجود حملات لفظی محدود علیه اسرائیل نه القاعده و نه داعش هیچ حمله‌ای علیه رژیم صهیونیستی، انگلیس و عربستان انجام نداده و در عمل پیوند ناگسستنی بین سازمانهای تروریستی و این دولتها وجود دارد و حیات داعش و القاعده بدون حمایت این کشورها هرگز قادر به تداوم نیست. در واقع این سازمانها اهداف منطقه‌ای و حتی جهانی غرب را دنبال می کنند و حملات محدود بر علیه برخی کشورهای اروپایی در جهت انحراف افکار عمومی جهان صورت می گیرد (Stafford, 2015, 2-6).

جنبشهای انقلابی و استقلال طلبانه دولتهای مستبد و وابسته خاورمیانه را دشمن مستقیم می دانند، از فناوری اطلاعات و ارتباطات بهره می گیرند، هر دو داوطلبانه اند، حامیان و دشمنان جهانی و منطقه‌ای دارند. اما سازمانهای تروریستی تفاوت‌های برجسته‌ای با جنبشهای انقلابی دارند (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱. تفاوت میان انقلاب ها و جنبش های مردمی و تروریسم در خاورمیانه

انقلاب های مردمی	تروریسم
خودجوش هستند	عمدی و سنجیده هستند
فراگیر و جاذبه حداکثری	دافعه حداکثری دارند
مسالمت آمیز هستند	خشونت آمیز هستند
فاقد سلسله مراتب و سازمان هستند	فوق العاده سلسله مراتبی و سازمان یافته هستند
آزاد و شفاف هستند	بسته و مخفی هستند
قانونی و دارای توجیه و منطق هستند	نامشروع و فاقد منطق هستند
مبشر آینده بهتر برای مردمند	اشتیاق برای بازگرداندن جامعه به گذشته دارند
از توده ها و اجتماعات مردم استفاده می کند	از ترور و وحشت بهره می برد
از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی دفاع می کند	بر علیه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی است
بر اساس توسعه و گسترش حقیقت شکل می گیرد	مبتنی بر دروغ و فریب است
باور به همزیستی و همکاری دارد	باور به تقابل و رویارویی دارد
حامی همه اقلیتها و زنان و کودکان و اقشار مختلف	ضد زنان، ضد اقلیتها و زن ستیز هستند
به دنبال صلح است و از میلیتاریزه شدن تغذیه نمی شود و ضد امپریالیسم و استبداد می باشند	به دنبال جنگ بود و از نظامی سازی تغذیه می کند. ادعای ضدیت با غرب را دارند اما مورد حمایت فکری، نظامی و مالی غرب و عربستان و اسرائیل هستند

(Dawody, 2016:9).

۴. عوامل ساختاری و محیط پدیداری

۴-۱. تاریخی

میراث تاریخی، میراث استعمار، سوابق تاریخی، خشونت سیاسی، جنگ داخلی، دیکتاتوری، انقلاب و اشغال از جمله عوامل تاریخی به وجود آورنده تروریسم هستند.

خشونت و تروریسم وقتی مطرح می‌شود که ابزار گفتگوی دموکراتیک مشروع از بین می‌رود و نظام حاکم با جدیت در پی انجام اصلاحات برای حقوق شهروندان در جوانب مختلف زندگی اعم از سیاسی یا اقتصادی نباشد چرا که همه ملت‌ها حق دارند نوع حکومت خود را تعیین کنند و حق آنها در زمینه‌های مختلف باید به رسمیت شناخته شود.

۲-۴. اجتماعی - فرهنگی

فرهنگ خشونت، منازعات فرهنگی، مذهب: خطوط گسل یا تفرقه شدید بین گروه‌های مختلف در یک سرزمین مشخص، اختلافات و گسستهای فرهنگی، شرایط اجتماعی واگرا، منازعات ملی گرایانه برای خودمختاری، خانواده و جامعه از جمله دلایل به وجود آورنده تروریسم هستند. مندلاوی معتقد است خانواده هسته مرکزی و بنیاد جامعه و زندگی اجتماعی است اگر این خشت، سالم، متعادل و درست باشد ساختار آن جامعه نیرومند و درهم تنیده خواهد بود اگر در حال گسیختگی و گسستگی باشد منجر به پیدایش افرادی می‌شود که غیر طبیعی، ناسالم و مشکل دار هستند که به سادگی می‌توان آنها را فریب داد و فریفته کرد و به راحتی کینه و دشمنی علیه کل جامعه و بشریت را در روانشان می‌کارند و آنان را جنایتکار بار می‌آورند. خانواده نقش بسیار بزرگ، مهم و موثری در پیشگیری از جرایم دارد خانواده نقش خطیری در سالم سازی جامعه از مفاسد اخلاقی و جرایم دارد و درکنار آن نقش حکومتها و عوامل خارجی هم بسیار مهم است (Mandalawi, 1390:189-193).

۳-۴. سیاسی و دولتی

نابرابریهای ساختاری که تقویت کننده و حامی مرزهای نفوذپذیر جغرافیایی است، نوع رژیم، کاهش اقتدار دولت، شرایط سیاسی بی ثبات و متضاد، سیاست خارجی آمریکا، مداخله گرایی، فقدان ظرفیت نهادی، ضعف حکمرانی، فقدان حکومت قانون،

شکافها و خطوط گسل سیاسی داخلی، ناتوانی در کنترل قلمرو، انحصار استفاده از خشونت از جمله عوامل سیاسی به وجود آورنده تروریسم هستند. بدون شک تروریسم در عراق و یمن و سایر کشورهای عربی حاصل یک عمر زندگی کردن در زیر سلطه حکومت‌های وابسته، دیکتاتور، سرکوبگر و حامیان غربی آنهاست. این حکومتها هیچ یک از مظاهر دموکراسی، آزادی و حقوق بشر اهمیت و اعتنایی نکردند بلکه این نظامهای مستبد و دول غربی، اغلب دیکتاتورهای منطقه از جمله صدام حسین و ال سعود را تقدیس کردند و این تقدیس اجباری موجب مسخ جوانان این کشورها شد و این رژیمها از ابزارهای آموزشی و کتابهای درسی نیز در راستای این حرکت غیرانسانی بهره بردند و جوانان این کشورها را شستشوی مغزی دادند و مغز آنان را پر از افکاری کردند که جنگ، خونریزی و دشمنی را تقدیس می کند و جوانان این کشورها را به خشونت و قتل با دلخراش ترین شیوه های وحشیانه، در برابر دیدگان دنیا تشویق کردند. در برخی از کشورها که پیروان مذهب خاص مورد ظلم و ستم واقع شده و به حقوق و جایگاه آنان تجاوز به عمل آمده، به دیگر مذاهب رهایافته از ظلم و اجحاف تاسی جسته و در پی مطالبه بحق خود برمی آیند و احتمالاً برای رسیدن به حق خود، دست به خشونت زده و آستانه بحران را بیشتر می کنند. این نوع درگیریها و نزاع ها همچون آتشی افروخته در اطراف و اکناف جهان دیده می شود گاهی میان مسیحیان با آرتودوکسها یا میان ارتدوکسها و کاتولیکها یا گاهی بین پیروان هندوئیسم و گاهی بین یهودیان این نزاع ها به وجود آمده است. در اسلام اوج این درگیری ها بین شیعیان با وهابیان دیده می شود البته این نزاع، دشمنی بین سنی و شیعه نیست چرا که اختلاف چندانی بین شیعه امامیه و دیگر مذاهب اهل سنت دیده نمی شود (Mandalawi, 1390:189-206).

۴-۴. روحی و روانی

المندلای معتقد است روحیه فرار از التزامات و عدم پایبندی به احکام خاص و مسئولیتهای تعیین شده، روحیه خودنمایی، مطرح کردن خود، شهرت طلبی و زیر پا گذاشتن قوانین کیفری بین المللی، روحیه آسیب پذیر، ضعیف، منفعل و دارای

اختلالات جدی در تعقل، طبیعت متمایل به شر نهفته در وجود بشر و عدم اصلاح رفتارهای ناشی از آن و وجود بیماریها و ناهنجاریهای اجتماعی از عوامل روحی و روانی به وجود آورنده تروریسم هستند. طبق این نظریه، نیروها و انرژی‌هایی به طور مستمر در درون انسان هستند و اگر فرصت و مجال مناسب برای ظهور پیدا نکنند لاجرم به نیروی مخرب، قاتل و ویرانگر تبدیل می‌شود. فروم معتقد است انسان به طور طبیعی نیاز به ارتقاء یافتن و بالابردن مراتب وجود خود از مرز حیوانیت به مرتبه انسانیت دارد تا در نهایت به فرد مبتکر، فعال و خلاق بدل شود اما اگر علایق و انگیزه‌ها به سوی خیر و خوبی با شکست و ناکامی مواجه شوند او به یک فرد خرابکار و ویرانگر بدل خواهد شد (ولندزی، ۱۹۷۱: ۱۷۴).

۴-۵. جنگ روانی و رسانه ای

-تامین مالی سازمانهای مردم نهاد برای ایجاد فضای اعتراض در کشور هدف یکی از تاکتیک‌های دیگر تروریستها می‌باشد. در جنگ و عملیات روانی، تحریک کنندگان به سازماندهی تظاهرات می‌پردازند و پس از آن به تحریک معترضان و نیروهای امنیتی پرداخته تا به تشدید خشونت علیه یکدیگر بپردازند. با ایجاد تصاویر ویدئویی دروغین و مرحله بندی شده، توهم سرکوب مردم توسط رژیم را خلق می‌کنند یا سبب می‌شوند مردم فکر کنند رژیم مشغول سرکوب مردم است. رسانه‌های جمعی بی‌وقفه این دروغ بزرگ را تکرار می‌کنند که رهبر کشور، دیکتاتوری بی‌رحم است. در یک کلام «او را بدنام و حلق آویز کنید». به شهرهای مرزی با کمک نیروهای ویژه و جوخه‌های مرگ، آنارشیست‌ها، بیماران روانی و متعصبان مورد حمایت سیا حمله کنید. جنگ داخلی را بین گروههای مختلف قومی تشدید کنید و بهانه‌های جعلی برای مداخله خارجی توسط سازمان ملل یا ناتو فراهم کنید. آن کشور را با بمباران به عصر حجر تبدیل کنید تا تحت سلطه درآمده و تحت حکومت تروریستهای اسلامگرای ناتو قرار گیرد. سوسیالیسم و دولت‌های ملی‌گرای عرب را نابود و ریشه کن کنید و آن را به یکسری از گروهها و کشورهای فاسد تبدیل کنید که مدیون و مطیع بانکداران وال

استریت و لندن باشند. -شرکتهای آمریکایی قراردادهای چند میلیارد دلاری را برای به اصطلاح بازسازی و امنیت امضا کنند؛ قراردادهایی که به وجود آورنده سودهای نجومی در شرایط گسترش و پخش جنگ برای آنهاست. - جدایی و ایجاد تفرقه بین لبنان، فلسطین، عراق و ایران و سپردن عنان امور به اسرائیل بزرگ برای سلطه بر خاورمیانه نیز از دیگر رهنمودهای آنهاست (Washington's Blog, 2016,1-3).

انگیزه ها و اهداف ریشه ای ثابت هستند در حالی که انگیزه های ابزاری و اهداف ابزاری پویا و متغیر هستند. در برخی موارد، یک سازمان تروریستی عامدانه یک انگیزه ابزاری را ارائه می دهد گویی که هدف ریشه ای می باشد و این امر در تلاش برای توسعه پایگاه حمایت داخلی و خارجی از طریق برجسته کردن حساسیتهای عمومی و نگرانیها و منافع عمومی مشترک صورت می گیرد. در برخی موارد دیگر، انگیزه ی ابزاری ممکن است برای مخفی کردن یا رقیق کردن ماهیت دگماتیست و افراطی انگیزه ریشه ای سازمان تروریستی طراحی شده باشند. بدیهی است که این مسئله، تلاشهای ضد تروریستی برای تعیین اینکه کدام اهداف اهداف ایدئولوژیکی هسته ای سازمانهای تروریستی هستند و هدایت کننده و محرک اقدامات و تصمیمات ان سازمان است و کدام یک در خدمت انگیزه های ابزاری موقت می باشند عاجز و ناتوان است. حملات تروریستی علاوه بر خدمت کردن به اهداف ریشه ای و ابزاری سازمان به معنی تامین منافع واقعی و راهبردی سازمان تروریستی نیز می باشند (Ganor, 2015, 2-30).

دلیل دیگر برای سوق دادن تحلیل به سمت موقعیت گرایی این است که ما شواهدی داریم که اغلب تروریستها احساس می کنند که هیچ گزینه ای جز ارتکاب اعمال تروریستی ندارند. آنها احساس می کنند در موقعیتی که در آن قرار گرفته اند به دام افتاده اند و آنها را مجبور به توسل به خشونت نظامی برای دستیابی به اهدافشان می کند. تیلور و کوپیل در مصاحبه خود با تروریستهای مختلف دریافتند که همه آنها در یک چیز اشتراک دارند و آن این است که خودشان را در موقعیت دفاع از خود در برابر دشمن می بینند و احساس می کنند که خشونت واکنش اجتناب ناپذیر به تهدید خارجی است (Houghton, 2009, 207-208).

یکی دیگر از عوامل موقعیتی، نظام‌های سرکوبگر هستند. در نظام‌های سیاسی سرکوبگر، تروریسم ممکن است تنها گزینه اقدام در دسترس برای کسانی باشد که خواهان تغییر هستند. سرکوب بی رحمانه حقوق بشر در عربستان سعودی هیچ راه چاره‌ای برای مخالفت به جز خشونت نظامی باقی نگذاشته است. فرید زکریا می‌گوید چه کسی در عربستان سعودی وجود دارد که مورد تحسین مردم جوان این کشور باشد؟ یک نظام پادشاهی فاسد و فربه که ثروت عمومی نفت را بر باد می‌دهد یا شخصی که همه چیز را رها کرده است از جمله خانواده اش برای تحقق آرمان و اندیشه هایش؟ یک جامعه عمیقاً سرکوبگر، چهره‌های قهرمان اندکی عرضه می‌کند اما برای بسیاری از افراد رادیکال، نظیر بن لادن، ابومصعب زرقاوی و ابوبکر بغدادی نقش جذاب تری را برای بسیاری از افراد ارائه می‌دهند. روش‌های آنها برایشان جذاب تر از هر چیزی است (Zakaria, 1993: 1-3).

۵. محیط زمینه ساز و تروریسم

کن اوکیفی^۱ فعال طرفدار فلسطین و از کهنه سربازان نیروی دریایی آمریکا و جنگ خلیج فارس است. وی معتقد است من واقعا فکر می‌کنم که ضروری است که در این مقطع از زمان، ما فهم و برداشت مان از وقایع جهان را نشر دهیم. این برداشت که ما یعنی غرب و همه دولت‌های وابسته به ما، در یک شرایط خیلی خاص و واقعی هستیم و با چیزی که به اصطلاح داعش نام دارد مواجهیم. ما این هیولا (داعش) را به وجود آوردیم، ما از این هیولا (داعش) برای ترویج و تقویت سیاست‌های دیوانه وار و غیرمنطقی خود در خاورمیانه، و برای شیطانی جلوه دادن مسلمانان و برای ستاندن و گرفتن حقوق و آزادی‌های بیشتر مردم استفاده کردیم و داعش قبل از هر چیزی در خدمت پروژه تشکیل اسرائیل بزرگ است. من یک غیرمسلمان هستم و از این شیوه‌ای که دارند مسلمانان را در سراسر جهان معرفی و ترسیم می‌کنند عصبانی و ناراحت‌م. من در سرزمین‌های اسلامی زندگی کرده ام و نیز برخی از بهترین مهمان نوازی‌ها و محبت‌ها و

1 Zakaria

2. Osama Bin Laden, Abu Bakr Al-Baghdadi And Abu Musab Al-. Zarqawi

3 O keefe, Ken

سختوتها را از مسلمانان دیده ام. سختوتها و مردم داری هایی که در هیچ جا هرگز تجربه نکردم و شما هم تجربه نکردید. با این وجود مسلمانان با این هیولایی که به داعش معروف است سر و کار دارند. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که داعش در واقع سرویس اطلاعاتی اسرائیل است. القاعده و جبهه النصره نیز چنین حالتی دارند. همه این گروههای ترویستی برای لکه دار کردن اسلام و ۱/۴ میلیارد نفر مسلمان بر روی سیاره زمین است تا از این طریق آنها را به این موجودات دیوانه و روانی پیوند دهند درحالی که در حقیقت این ما هستیم (غرب) که این گروه و پدیده زشت را درست کردیم، به آنها کمک مالی دادیم و از آنها حمایت و حفاظت نمودیم. در حقیقت، آمریکا در حال فراهم نمودن پوشش هوایی برای این روان پریشان ترویست در سوریه و عراق است. این واقعا منجرکننده است که مردم با این تفکر فریفته شده اند که مسلمانان با این ها ارتباط دارند و می‌توانند هرکاری با آن انجام دهند (O keefe, 2016).

خاورمیانه به چند دلیل منجمله جنگهای فراوان، نابرابری اقتصادی، مداخله خارجی، استبداد، قبیله گرایی، فقدان آموزش و نیز فقر مملو از دولتهای ناکامی است که زمینه مناسبی را برای رشد و گسترش تروریسم فراهم ساخته است. به علت چهار دهه حاکمیت استبدادی سرهنگ فذافی، مداخله نظامی آمریکا و ناتو بعد از جنبش بیداری اسلامی، رها کردن لیبی و عدم کمک به لیبی برای ساختن دولت قوی جهت برقراری صلح و نظم سبب توسعه خشونت و تروریسم در این کشور شده است امروزه دولت در لیبی چیزی جز سایه فراری چند نفر بیشتر نیست که در هتلهای خود مخفی هستند در حالی که کشور بین گروههای ترویستی جهادی تکفیری مورد حمایت قطر، ترکیه، آمریکا و عربستان تکه پاره و تقسیم شده است. در عراق نیز به علت اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا، فروپاشی حکومت و دستگاههای اداری آن توسط آمریکا، نهادینه شدن ساز و کار سهمیه بندی و فرقه گرایی در قانون اساسی عراق، از خود بیگانگی و شکافهای اجتماعی و مذهبی شیعه و سنی دچار پدیده بی ثباتی سیاسی و تروریسم شده است. گروههای طرفدار صدام از گروههای ترویستی به مثابه یک وسیله نقلیه برای اعمال مطالبات خود و بازگشت به قدرت استفاده می‌کنند. عراق امروزه دچار

خشونت قومی و فرقه‌ای است و بخشهای مختلفی از عراق تحت کنترل سازمان‌های تروریستی می‌باشد. سوریه هم اکنون به لحاظ جغرافیایی بر اساس مناطق تقسیم شده است. دمشق و نوار باریکی نزدیک دریای مدیترانه تحت کنترل دولت اسد است. در عا و بخش بزرگی از جنوب سوریه تحت کنترل ارتش آزاد سوریه می‌باشد. حلب، شمال سوریه، الرقه و غرب سوریه تحت کنترل القاعده و النصره می‌باشد. الپو یا حلب، شمال سوریه، الرقه و بخشهایی از شرق سوریه تحت کنترل داعش است. شمال شرق سوریه هم در اختیار کردها است. (عمدتاً جنگجویان پ ک ک که ترکیه را دشمن اصلی خود می‌دانند). حدود ۱۲۰۰۰۰ شهروند سوری در حملات مرگبار تروریستها کشته شدند، دو میلیون آواره شدند و به اردن، عراق، لبنان، ترکیه و اروپا رفتند و تقریباً ۲۰۰۰۰ جهادگر خارجی به این کشور هجوم آوردند (از طریق مرزهای باز ترکیه و اغلب با آگاهی و مجوز مقامات ترکیه). لذا سوریه را به یک دولت ناکام و خطرناک‌ترین مکان در جهان تبدیل کرده‌اند با توجه به اینکه پول، قدرت و زنان جاذبه‌هایی است که تروریستها در سوریه برای جذب نیروهای جدید استفاده می‌کنند لذا سوریه مکان خوبی برای جذب تروریستهاست و اگر مقاومت ایران و روسیه و اسد نبود دامنه اقدامات خشونت آمیز آنها کل منطقه و امنیت جهان را مورد تهدید جدی قرار می‌دادند-14 (Dawoody, 2016, 15).

آنچه ما به نام آزادی و دموکراسی برای شما (عراقی‌ها) انجام داده ایم هیچ نمونه و همتایی در تاریخ ندارد. ما حقیقت را در خصوص رنج شما پامال کردیم ما متحدان را از طریق رشوه جذب کردیم و بی رحمانه کسانی را که به نیت امپریالیستی ما اعتراض داشتند به حاشیه راندیم. زور حیوانی جایگزین وعده ۱۹۴۵ برای نجات نسلهای آینده از شلاق جنگ گردید. این شما مردم عراق بودید که هزینه جنگ را پرداختید. در حقیقت در عراق، محور شرارت، ائتلافی از دولتها، اتاق‌های فکر، رسانه‌ها و شرکت‌هایی بودند که دیوار عظیم پروپاگاندا و اطلاعات غلط را بنا کردند. عراق و القاعده، سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم مواردی بودند که ما آمریکایی‌ها به جهانیان گفتیم اینها ترکیب مرگباری بودند. کجا بودند این سلاحهای کشتار جمعی که ما می‌گفتیم یقیناً پیدا می‌کنیم؟ ما از گناه و تقصیر خود در عذاب نیستیم و هیچ عذرخواهی هم نکردیم. متأسفانه

برای شما مردم عراق، هیچ طرح و برنامه ای برای آغاز درمان و بازسازی طراحی نشده است. فاتحان فاتحان هستند. برنده ها برنده شدند. آشوب سازی برای ما آمریکاییها مفید است اما ما (دولت امریکا) یقین حاصل کردیم و مطمئن شدیم که اداره نفت و کنترل آن برای ما تضمین شده و امن می باشد. دغدغه و نگرانیهای ما، دغدغه و نگرانی شما نیست و کاملاً بر خلاف شماست. ما تماشاگر و تشویق کننده خشم و نفرت شما هستیم. بله، دیکتاتوری حق شماست. حرص، میراث مشترکمان را نابود کرد. موزه های شما غارت شده و خالی است و کتابخانه های شما سوزانده شده و دانشگاهایتان نابود شده اند و تنها افتخارتان هنوز این است..... و گناه ما همچنان باقی است. آیا شما ما را خواهید بخشید؟ (Sponeck, 2003, June 1).

۶. فرهنگ سیاسی و جامعه پذیری سیاسی

هر چقدر جوامع از نظر تکنولوژیکی و فرهنگ سیاسی مشارکتی و تبعی (تبعیت از قانون) و فرهنگ عقلانی مبتنی بر علم و انتقاد و دین محورانه رشد کنند نیل به پیشرفت، صلح و ثبات در آن کشور و مناطق مختلف جهان ممکن تر می شود.

جامعه پذیری نوعی فرایند کنش متقابل است که در خلال آن فرد ارزشها و هنجارها و دیگر عناصر اجتماعی و سیاسی و فرهنگی موجود در گروه و یا محیط پیرامون خود را فرامی گیرد و درونی می کند و آن را با شخصیت خویش یگانه می سازد (گرشاسبی و کریمی مله، ۱۳۹۷: ۴). وقتی که فرهنگ طرفین را بشناسیم، اغلب، می توانیم بینش قابل توجهی نسبت به دلایل اصلی ناسازگاری افراد یا جوامع داشته باشیم. به عنوان مثال، اگر ما می دانستیم که مردان آپاجی جنگجو و هوپی ها صلح آمیز هستند، می توانیم دلیل اصلی حمله آپاجی ها به قبایل دیگر را درک کنیم. اما اگر بخواهیم درک عمیق تر نظری داشته باشیم باید بپرسیم چرا این تفاوت‌های فرهنگی در وهله اول به وجود می آیند. وقتی دشمنان اهداف ناسازگار دارند حتی زمانی که هیچ کدام از علل بارز شورش از جمله بی عدالتی وجود ندارد، علت اصلی ممکن است شخصیت و فرهنگ شورشی باشد. برخی فرهنگها، کار و برنامه ریزی، مشورت، احترام به حقوق یکدیگر، فداکاری و ایثار و مردم سالاری و اقتصاد مردمی و عادلانه را ارزش می دانند نظیر فرهنگ ایرانی

اسلامی.. اما برخی فرهنگهای دیگر، خشونت، کشتن غیرنظامیان، جنگاوری و سلطه را ارزش می دانند. دومین دلیل اصلی برای کج خلقی ذاتی افراد، شخصیت آنهاست. شناخت شخصیت افراد به ما کمک می کند تا درک کنیم چرا آنها با جامعه ناسازگار هستند. به راستی چرا شخصیت های افراد متفاوت هستند. یکی از این دلایل، فرهنگ فردی است. برخی از فرهنگها، افراد را به رفتاری سازگار تشویق می کند و تمایلات صلح آمیز نسبت به دیگران را آموزش می دهند. برخی از فرهنگ های دیگر به فرزندان و پیروان خود برای پرخاشگری، خشونت و ترور پاداش می دهند. آنها حتی نسبت به یکدیگر رفتار خصمانه ای دارند. نمونه این افراد با چنین فرهنگی، داعش و پیروان داعش می باشد. کج خلقی به ناسازگاری در اهداف منجر می شود. دلایل ایجاد اهداف ناسازگار عبارتند از: محرومیت نسبی و قدرت غیرقانونی که سبب ایجاد حس بی عدالتی می شود و محرومیت مطلق، شخصیت یا فرهنگ شورش و آشوب طلب در کنار موارد فوق، منابع رقابتی منازعه و کشمکش بوده و سبب عدم انطباق با ارزشهای جامعه می شود (جی بارتوش و پال ور، ۱۳۹۱: ۵۸-۷۵).

نتیجه گیری

پدیده تروریسم را باید به مثابه یک مسئله بفرنج و تهدید آمیز، دارای مولفه های مختلف دانست و نمی توان صرفا در چارچوب یک تفسیر واحد، آن را صرفا به صورت یک حمله یا تهاجم نظامی در نظر گرفت بلکه می بایست از زوایا و ابعاد فکری، اعتقادی و سیاسی به آن نگاه کرد. برنامه و نقشه راه درازمدتی برای مبارزه با این پدیده شوم تدوین نمود و راه حلهایی عملی که به محدود کردن، مهار نمودن و ریشه کن کردن این پدیده کمک می کند را ارائه داد. همچنین تشریک مساعی نهادهای عربی، اسلامی و بین المللی را می طلبد. این پدیده ریشه های تاریخی مزمن، انگیزه های گوناگون، اشکال مختلف، متنوع و گسترده ای دارد و همه کشورهای جهان را مورد هدف قرار داده است لذا عملیات و تمهیدات انفرادی نمی تواند نتایج خوبی برای مهار و محدود کردن این پدیده به همراه داشته باشد.

در مجموع عوامل انگیزشی اقدامات تروریستی عبارتند از: ۱- میراث حکومت‌های استعماری یا جنبش‌های استقلال ۲- منازعه اسرائیل و فلسطین، ۳- حکمرانی بد ۴- ناکامی توسعه اقتصادی و محرومیت اجتماعی - اقتصادی ۵- رادیکالیسم و تئوری‌های الهیاتی انحرافی، ۶- تروریسم دولتی ۷- سیاست خارجی کشورهای غربی، منازعات فرقه ای و قومی

برخی ارزشها و باورهای مذهبی که در جوامع مختلف جهان هستند ضد توسعه و پیشرفت هستند. مثلا مذهب کاتولیک، دنیا دار مصائب بود و به مردم توصیه می کرد که زندگی خوب در جهان پس از مرگ مستلزم چشم پوشی از تلاش و کوشش در جهان مادی است و افراد باید فقط به اندازه نیازشان درآمد کسب کنند و خلق ثروت و تجارت را مذموم می دانست اما با تحول مذهبی و فرهنگی و رشد عقلانیت اجتماعی و فرهنگی در جوامع غرب و ظهور مذهب پروتستان مفهوم وظیفه بازسازی شد و تجارت و ثروت اندوزی و مال از منزلت و کرامت برخوردار شد و از پشتوانه مذهبی برخوردار شد و پیروان دین حضرت مسیح (ع) در چارچوب مذهب پروتستان بعد از رنسانس اهتمام مفرط به فعالیت دنیوی و قدرت پیدا کردند. فردگرایی و رقابت فردی عملی پسندیده تلقی گردید و باعث رشد اقتصادی و انباشت سرمایه شد. مذهب پروتستان رستگاری در جهان آخرت را موکول به این نمود که افراد هر چقدر در این جهان بتوانند تحول فرهنگی و اقتصادی و نوآوری داشته باشند به خدا نزدیکتر و مقرب درگاه الهی می شوند. در مذهب مترقی شیعه نیز تاکید شده است که راه رشد و ترقی هم از طریق عقلانی شدن همه فرایندها و توجه و آبادانی دنیا و آخرت می گذرد یعنی در مکتب تشیع دنیا مزرعه آخرت است و هیچ چیزی جز با سعی و تلاش و فعالیت عقلانی و علمی بدست نمی آید اما باورهای افراطی که تروریست‌های مذهبی دارند یکی از موانع مهم توسعه، صلح و ثبات در جوامع است. در فرهنگ هندیان باستان نیز، پیدایش و تداوم نابرابری اجتماعی تا اندازه ای ریشه در اعتقادات مذهبی آنها دارد چرا که طبق اعتقادات آنها هر فرد می بایست در تمام طول زندگی خود در همان طبقه و کاستی که خدایان هندو تعیین کرده اند باقی بمانند و تحرک اجتماعی و اقتصادی وجود نداشت. تروریست‌های تکفیری نیز توجه به حقوق بشر، ارزشهای مترقی الهی و انسانی نظیر توجه

به قانون، دموکراسی و انتخابات را برنرفته و ارزشهای جدید و عقلانی را نکوهش می‌کنند. آنها فاقد گرایشهای عقلی و اجتهادی هستند لذا نه تنها مشکلاتی نظیر انحطاط و عتب ماندگی و دخالت خارجی در کشورهای اسلامی را حل نمی‌کنند بلکه باعث تشدید هرچه بیشتر این مشکلات می‌شوند و بی‌ثباتی و ناامنی بیشتری ایجاد می‌کنند. تروریستهای تکفیری اعتقادی به برابری و عدالت، تحرک اقتصادی و اجتماعی برای بهبود وضعیت میثتی و سیاسی مردم ندارند و به هم کیشان خود وعده می‌دهند که هرچه بیشتر مخالفان خود و شیعیان را بکشید در آخرت جایگاه رفیع تری دارند... این در حالی است که دین مبین اسلام، انسان را موجودی صاحب اراده و اختیار دانسته و آنها به نوآوری، تحرک و بهبود اوضاع، تجارت، سعی و تلاش و برنامه‌ریزی مکلف هستند. در این مکتب کار و تلاش و تحول و نوآوری و خدمت عبادت محسوب می‌شود.

منابع

- جی بارتوس و تومار، اتومار. (۱۳۹۱). *کاربرد نظریه کشمکش*، ترجمه دکتر علی کاظمی، انتشارات دفتر زیتون سبز.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۸). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، جلد اول، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- صالحی، سیدجواد، مرادی نیاز، فاتح. (۱۳۹۴). «پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۲۷-۱۰۳.
- گرشاسبی، رضا، کریمی مله، علی. (۱۳۹۷). «کودکان داعش: از درون فکنی ایستار تکفیری تا برون فکنی رفتار تسخیری»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره اول، صص ۲۸-۱.
- مرادی، مصطفی و همکاران. (۱۳۹۷). «تیین جامعه‌شناختی و اولویت‌بندی زمینه‌ها و بسترهای محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش از منظر

- صاحب‌نظران ایرانی»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره دوم، تابستان، صص ۲۱-۱.
- میرعلی، محمدعلی، شفائی، امان‌الله. (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان اسلام خلافت محور در افغانستان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره دوم، تابستان، صص ۲۱۴-۱۹۱.
- لشگری تفرشی، احسان، احمدی، عباس. (۱۳۹۵). *اصول و مبانی جغرافیای فرهنگی*، تهران: انتشارات سمت.
- ولندزی، هال. (۱۹۷۱). *نظریات الشخصیه*، ترجمه فرج احمد الفرج، القاهرة، اسلهمیه المصریه العامله للتالیف و النشر، القاهرة.
- Bjorgo, Tore, (Ed.). (2003). **Root Causes of Terrorism** (Oslo: Norwegian Institute of International
- Borum, R. (2004). "**Psychology of Terrorism**". Mental Health Law & Policy Faculty Publications. Paper 571. [Http://Scholarcommons.Usf.Edu/Mhlpfacpub](http://Scholarcommons.Usf.Edu/Mhlpfacpub).
- Club De, M. (2005). **International Summit on Democracy, Terrorism, and Security**: Library of Congress (Washington, D.C.: The Division, 1999), P.17.
- Cassano, Salvatore And Et. All. (2011). *Fdny Counterterrorism And Risk Management Strategy*, Available Online Www.Nyc.Gov/Fdny.
- Dawoody, A. R. (2016). **Eradicating Terrorism From The Middle East Policy And Administrative Approaches**, Maywood University, Scranton , Pa , Usa, Library OF Congress Control Number Division,
- Enzensberger, H. (2005). 'The Radical Loser', 1 December 2005. Available at: Signandsight.Com
- Houghton, David Patrick. (2009). **Political Psychology: Situations, Individuals, and Cases**, *Library OF Congress Cataloging-In-Publication*
- Ganor, B. (2015). **Global Alert: The Rationality of Modern Islamist Terrorism and the Challenge to the Liberal Democratic World**. Library of Congress Cataloging-In-Publication Data, Oxford University Press. Pp. 1-98
- Gunarat, A., and Angel, R., (2012). **Terrorist Rehabilitation**. The U.S. Experience in Iraq, Taylor and Francis Group, Llc Crc Press Is an Imprint of Taylor & Francis Group, an Informal Business

- Lal, R. (2018). **Da'esh and Al-Qaida in Europe**, Library of Congress Cataloging-In-Publication Data
- O Keefe, Ken. (2016). **We Are Isis; Isis Is Us, the Shocking Truth behind the Army of Terror**, Hard Copy Publication Date: January - February 29, 2016
- Mandalawi, Muhammad Mahmud. (2011). **the Terrorism through History**, House and Crescent Library Publisher: House and Crescent Library
- Organization for Security and Cooperation in Europe. (2015). **Http://Www.Osce.Org.**
- Ross, J. (2006). **Political Terrorism**, New York, Library OF Congress Control Number
- Stafford,A. (2015). **Terrorism, Hot Spots And Conflict-Related Issues Rising Terror Groups In The Middle East And North Africa**, Published By Nova Science Publishers, Inc. † New York
- Sponeck, H. C. (2003, June 1). **To An Unknown Iraq**. Retrieved November 10, 2013, From the Translators Network for Linguistic Diversity
- Schuldt, C. (2014). *Mansoor Presents Expert's View on Iraq*. Retrieved June 7, 2014, From *the Journal*: Wwww.Nujournal.Com
- SHARP,j.et al. (2000). **geography of domonatio and resistance**, proceeding of entanglement of power, routledge press.
- Tedeschi, J., & Felson, R. (1994). *Violence, Aggression, & Coercive Actions*. Https://Www.Amazon.Com.
- Thachuk, K.L. (2018). *The Gangsterization of Terrorism, Library of Congress Catalogin Publication Data*.
- Washington's Blog, G. (2016). **Isis Is Us, the Shocking Truth behind the Army of Terror**, Hard Copy Publication Date: January - February 29, 2016.
- Zakaria, F. (1993). **The Future of Freedom: Illiberal Democracy At Home and Abroad** (New York: W.W. Norton, 1993).